

تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان سعودی

علی آدمی^۱ - سید محمدرضا موسوی^۲ - حسینعلی توتی^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۱/۴/۱۳

چکیده

از آنجایی که بحرین برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از یک ارزش ویژه‌ی ژئوپولیتیکی برخوردار است؛ تحولات صورت گرفته در بحرین همواره واکنش و سیاست‌های متعارضی را از طرف این کشورها در پی داشته است. با وقوع بیداری اسلامی در بحرین، کشورهای مخالف ایران از جمله عربستان سعودی با منحرف کردن پروژه‌ی اعتراضات استقلال خواهانه‌ی مردم بحرین، صورت مسأله را تغییر داده و ابراز کرده‌اند که ایران در صدد دخالت در امور داخلی کشور بحرین است. این پژوهش با طرح این سؤال که ریشه‌های تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان در رابطه با بحرین چه بوده و چه

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (s46mosavi@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی (moosaviut@gmail.com)

۳. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (h.tooti@ut.ac.ir)

تأثیری بر روابط بین دو کشور بعد از وقوع بیداری اسلامی داشته، به این نتیجه رسیده است که، این تعارضات قبل از انقلاب اسلامی ایران شروع و با تحولات انقلابی بحرین به اوج خود رسیده که همچنان در جریان می‌باشد. بعضی از مهمترین ریشه‌های این تعارضات عبارتند از: ادعای ارضی ایران در خصوص بحرین (قبل از انقلاب)، انقلاب اسلامی در ایران و برانگیختن حس انقلابی شیعیان بحرین و عربستان، حمایت ایران از افزایش نقش شیعیان، حضور ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس علیه ایفای نقش ایران در منطقه، دخالت نظامی عربستان در بحرین، رقابت تسلیحاتی ایران و عربستان و پی ریزی سناریوهای متعدد برای انزوای ایران. با توجه به ماهیت تحقیق، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: بحرین، تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی، ج.ا. ایران، عربستان سعودی.

مقدمه

تحولات اخیر در جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه که همگی با وجه مشترک دگرگونی و تحول عمیق سیاسی سامان یافته‌اند، مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دستخوش تغییر کرده است. در واقع، خیزش مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا، چالش فکری و جغرافیایی را برای قدرت‌ها رقم زده است که مهمترین برآیند آن تبدیل مخاطبان سیاست خارجی کشورها از دولت‌های منطقه به ملت‌های منطقه است.

در این فضای جدید کشور ما نیز در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپولیتیکی جهان قرار گرفته، به گونه‌ای که مناطق ژئوپولیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و آن را به صورت کانون جاذبه‌ی دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی درآورده است. موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه‌ای و کنش و روابط متقابل آن با قطب‌های قدرت جهانی و مناطق ژئوپولیتیکی، همواره مسایل جدیدی را می‌آفریند که

مجموعاً زمینه‌ی بسیار مناسبی را برای مطالعه‌ی عوامل پویا و متحول سیاسی و علمی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است. ایران کشوری تأثیرگذار، قدرتمند و بازیگر توانمندی در خاورمیانه است. از این رو کشور ما نمی‌تواند بی‌تفاوت از مجموعه دگرگونی‌های امنیتی و سیاسی در خاورمیانه، روابط سیاسی خود را ساماندهی کند.

بحرین به عنوان یکی از شش عضو شورای همکاری خلیج فارس، با توجه به زمینه‌های تاریخی و ساختاری خاص خود در روند منطقه‌ای خیزش‌های مردمی در جهان عرب، دچار بحران عمیقی شده است؛ که از ماه فوریه میلادی تاکنون تداوم داشته است. اما این بحران و ابعاد، پیامدها و واکنش‌های مربوط به آن تنها به مرزهای این کشور محدود نشده است و ابعاد و اهمیت منطقه‌ای بالایی پیدا کرده است. ایران و عربستان به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای مؤثر در تحولات منطقه طبیعتاً نمی‌توانستند در مقابل فرصت‌ها و تهدیدات ایجاد شده بی‌تفاوت باشند و از ابتدای شروع این تحولات تلاش کرده‌اند با تکیه بر آرمان‌ها و اهداف خود، در جهت تأمین خواسته‌های خود اقدام کنند. در این پژوهش با تبیین دگرگونی‌های ژئوپولیتیکی کشور بحرین، نقش نیروهای اثرگذار خارجی در آن بررسی شده و با در نظر گرفتن منافع و علایق ج.ا.ایران و عربستان سعودی در این تحولات، جایگاهشان در روند دگرگونی‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل سیاست خارجی ایران و عربستان به عنوان قدرت‌های اثرگذار در این تحولات، موضوع بررسی‌های بیشتر این مقاله است.

چارچوب نظری

منطقه‌ی راهبردی، حساس و بسیارحایز اهمیت خاورمیانه و شمال آفریقا، اکنون بیش از یک سال و نیم است که دستخوش تحولات سیاسی- اجتماعی تعیین کننده و

سرنوشت‌سازی تحت عنوان «بیداری اسلامی» شده است؛ تحولاتی که جغرافیای سیاسی منطقه را به کلی دگرگون کرده، موازنه‌ی قوا را به نفع مردم منطقه و علیه منافع قدرت‌های استعماری فرامنطقه‌ای غربی و در رأس آنان، ایالات متحده آمریکا تغییر داده است.

جمهوری اسلامی ایران و عربستان نیز بعد از وقوع بیداری اسلامی در بحرین نسبت به این کشور سیاست‌های خارجی متفاوتی را پیش گرفته‌اند؛ به نظر می‌رسد سیاست خارجی ج.ا. ایران در قبال تحولات بحرین در چهارچوب سازه‌انگاری بیشتر قابل فهم باشد. آنچه در اینجا اهمیت بیشتری می‌یابد این است که رهیافت سازه‌انگاری به عنوان مکملی برای رئالیسم و نورنالیسم قرار داده شده است. از نظر سازه‌انگاران، آشوب‌زدگی فی نفسه بی‌معناست و آن چیزی نیست، جز آنچه که دولت‌ها می‌سازند. آنها اعتقاد دارند مطالعه‌ی سیاست بین‌الملل تحت تأثیر رویکرد واقع‌گرایی ظاهراً باعث کم‌توجهی به ابعاد فرهنگی و هنجاری الگوی رفتار بازیگران شده است (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۳۵). در واقع سازه‌انگاری به صورت یکی از رویکردهای مطالعه‌ی سیاست بین‌الملل از ترکیب رویکردهای مختلف تشکیل می‌شود که در تلاش است به نحوی نارسایی‌ها و کاستی‌های نظریه‌های گوناگون را با بهره‌گیری از برخی گزاره‌های خود آنها برطرف کند و به اصطلاح تصویر واقعی‌تری از الگوی رفتار سیاست بین‌الملل ارایه نماید (متقی، ۱۳۸۶: ۷۹).

به عبارت دیگر عامل تعیین‌کننده‌ی رفتار ج.ا. ایران نسبت به بحرین، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته بود (قوام، ۱۳۸۴: ۸۴).

سررشته‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشور به زنجیره‌ی بی‌شماری از عناصر تأثیرگذار همچون «تأثیر آموزه‌ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی و آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌ها نسبت به دوستان و دشمنان، محیط ذهنی و پیرامونی» پیوسته است که به دلیل تعدد و درهم‌تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هر یک از آنها کاری

دشوار است. اهمیت و جایگاه هنجارها با ویژگی‌ها و مختصات‌ی از این دست از آنجاست که مطابق رهیافت سازه‌انگاری با درک چگونگی تأثیرگذاری هنجارها بر هویت، می‌توان چگونگی تعریف منافع ملی را که اساس سیاست خارجی یک کشور است، درک کرد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

سازه‌انگاران برخلاف واقع‌گرایان، تنها به کارکردهای ابزارگونه‌ی آن در سیاست خارجی بسنده نمی‌کنند؛ بلکه در وجه ایجابی به نقش مذهب به عنوان یک متغیر مستقل در ایجاد یکپارچگی ملی و عامل ثبات سیاسی بین‌المللی می‌پردازند. این تلقی سازه‌انگاران از جایگاه و تأثیر هنجارهای دینی، امروزه به طور خاص، منزلت ایدئولوژیک ایران در بعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش‌های اسلام‌گرا را توضیح می‌دهد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۰).

با این رویکرد به نظر می‌رسد که پس از انقلاب اسلامی، «هنجارهای دینی و سنتی ما قبل اسلام و ما بعد آن» دارای وزن و اعتبار ویژه‌ای در میان لایه‌های متعدد هویتی و فرهنگی سیاست خارجی است (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

در واقع ایران اسلامی با رهیافت سازه‌انگاری، شدیدترین ضربه به منافع ایالات متحده در بحرین محسوب می‌شود و این انقلاب در درجه‌ی اول باعث بالفعل شدن بسیاری از اعتراضات اجتماعی در این کشور شده است (ولی پور و زرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

اما سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تحولات انقلابی بحرین در قالب مکتب نئورئالیسم قابل بررسی است؛ این رویکرد ضمن تأکید بر فقدان اقتدار مرکزی، سطح تحلیل را نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است که ساختار نظام بین‌الملل و جایگاه هر بازیگر در این ساختار است که، قواعد بازی را مشخص می‌کند (قوام، ۱۳۸۶: ۳۶۱).

براساس تئوری نئورئالیسم همیشه یک اصل مهم در سیاست خارجی همه‌ی کشورها وجود دارد و آن اصل، منافع ملی است؛ براساس این اصل هیچ کشوری دوست یا

دشمن همیشگی ندارد و روابط بین‌الملل کشمکش‌ی مبتنی بر قدرت است که با مفاهیمی چون بقا، تنگنای امنیت، آشوب، بی‌اعتمادی، همکاری محدود، موازنه، بازدارندگی، تهدید و از همه مهمتر ساختار نظام بین‌الملل و نیز مفاهیمی از این دست همراه شده است.

عربستان سعودی بر پایه‌ی این استراتژی تمام تلاش خود را می‌کند که ضمن حمایت ظاهری از حرکت‌های مردمی در تحولات بحرین، ارزش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در جهت منافع و ارزش‌های آمریکایی است را در این کشور جایگزین کند (فضلی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

عربستان سعودی پس از شکل‌گیری اعتراضات در بحرین و استفاده‌ی دولت بحرین از ابزار خشونت علیه معترضان که اقدام به تظاهرات مسالمت‌آمیز کرده بودند، از رژیم آل خلیفه به دلیل تلاشش برای گفتگوی با معترضین تمجید کرد (choi,2003:142).

نظام حاکم در بحرین یکی از متحدان اصلی عربستان در منطقه به شمار می‌رود و بدون شک هرگونه تغییری در این ناحیه می‌تواند منافع عربستان و متحدان غربی آن را به طور کامل تحت تأثیر قرار دهد. به همین خاطر با چراغ سبز مستقیم این کشور، حکومت آل خلیفه به صورت گسترده به سرکوب مردم بی‌دفاع بحرین پرداخته و هنگامی که ضعف حکومتی در مواجهه و مقابله با این موج عظیم مردمی نمود پیدا کرد، نیروهای نظامی عربستان سعودی با هماهنگی کاخ سفید برای مقابله با قیام مردم بحرین وارد این کشور شدند و با مشت آهنین توانستند کنترل نسبی بر اوضاع، به دست آورند. این چنین است که می‌توان رفتارها و واکنش‌های عربستان سعودی در بحرین را با یک رویکرد تجزیه و تحلیل نمود، و آن هم رویکردی نورئالیستی با هدف حفظ منافع و مصالح شخصی است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

عربستان در بحرین نگران این است که سقوط آل خلیفه و به قدرت رسیدن حکومتی به رهبری شیعیان، می‌تواند منجر به افزایش نفوذ ایران در منطقه شود و همچنین

می‌تواند بر رابطه نظامی بحرین با آن کشور در منطقه، تأثیر بگذارد. ایران که روزی جزیره‌ی ثبات و ژاندرام منافع غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و متحد استراتژیک منطقه‌ای رژیم صهیونیستی قلمداد می‌شد، با بروز انقلاب در یک چالش گسترده با سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌های مزبور قرار گرفت. وجود ذخایر عظیم انرژی، موجودیت و امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه و... با وقوع انقلاب اسلامی در معرض تهدید قرار گرفت، تا آنجا که طی تقریباً سه دهه اخیر استراتژی سقوط جمهوری اسلامی ایران با روش‌های گوناگون و صرف هزینه‌های قابل ملاحظه و به کارگیری دیپلماسی عمومی، استحاله فرهنگی، جنگ داخلی و خارجی، تحریم اقتصادی، جنگ روانی و تبلیغاتی در دستور کار سیاست خارجی دولت مردان نظام سلطه قرار گرفت. از طرفی همه‌ی بازیگران صحنه‌ی بین‌المللی از جمله ایران، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان دارای اهداف و منافع هستند که نه تنها همگام و هماهنگ نیستند، بلکه گاهی در تقابل و تعارض با یکدیگر قرار دارند. در این راستا می‌توان از اسلام سیاسی، مسأله‌ی انرژی (به ویژه نفت)، موقعیت استراتژیک ایران، امنیت و منافع رژیم صهیونیستی نام برد (مجتهدزاده، ۱۳۷۵: ۷).

موقعیت و اهمیت بحرین در عرصه‌ی بین‌الملل

بحرین با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک که به صورت جزیره‌ای در خلیج فارس واقع شده است، همواره از سوی قدرت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مورد توجه قرار داشته است؛ به طوری که بعد از حمله‌ی عراق به کویت و به خطر افتادن منافع آمریکا در خاورمیانه، بحرین یکبارہ مورد توجه آمریکایی‌ها قرار گرفت تا از این کشور به عنوان پایگاهی برای پشتیبانی جنگنده‌های آمریکایی استفاده شود که برای عقب نشاندن نیروهای عراقی از کویت راهی منطقه شده بودند (Singer: 1996:6).

نوآم چامسکی اهمیت بحرین را برخاسته از دو عامل می‌داند:

بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ اما عدم برخورداری بحرین از یک سیستم دفاعی نیرومند و احساس ضعف در این مورد، بحرین را متمایل به قدرت‌های دیگر، به خصوص آمریکا و عربستان ساخته است. حضور ناوگان پنجم آمریکا در بحرین، نزدیکی جغرافیایی بحرین با ایران و مطیع بودن حاکمان سنی این کشور، منجر به روابط بسیار نزدیک آمریکا با بحرین شده است و همواره نظام حاکم در بحرین یکی از متحدان اصلی آمریکا در منطقه به شمار می‌رود و هرگونه تغییری در این ناحیه می‌تواند منافع آمریکا و متحدانش را به طور کامل تحت تأثیر قرار دهد (چامسکی، ۱۳۹۰).

باتوجه به اهمیت و وضعیت امنیتی بحرین، از دهه ۱۹۷۰ تا تحولات اخیر بحرین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور علاوه بر تلاش برای رفع استبداد داخلی و کسب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، یک وجهه بارز به خود گرفت که عبارت بود از موج اسلام‌گرایی و حرکت به سوی ارزش‌های اسلامی؛ نفوذ افکار اصلاح طلبی اسلامی از مصر، عراق و ایران به این کشور و به ویژه پیروزی انقلاب اسلامی این فرصت را به مبارزان مسلمان داد تا بطور جدی و فعال، خواهان اجرای اصول و ارزش‌های اسلامی در جامعه‌ی خود باشند و این امر که ذاتاً در تعارض با اصول و اهداف حکومت بحرین از یک طرف، و از طرف دیگر مخالف منافع کشورهای غربی به خصوص آمریکا بود، جنبش‌های اسلامی مهمی را در پی داشت که اهمیت این کشور را دوچندان کرد.

بیداری اسلامی در بحرین

تظاهرات ضد دولتی چندین کشور در خاور میانه در اوایل سال ۲۰۱۱ گریبانگیر بحرین نیز شد، و منجر به برخوردهای خشونت‌آمیز میان معترضان و نیروهای دولتی و پلیس شده است. معترضان، با الهام از رویدادهای اخیر در مصر و تونس، تظاهرات خود را در ۱۴ فوریه

آغاز کردند. مدت زمان طولانی است که تنش نهفته در میان توده‌ی مردمی که اکثریت شیعه می‌باشند، با طبقه حاکم سنی وجود دارد. شیعیان معترض هستند که آنها را از موقعیت‌های بالا در ارتش و دولت باز می‌دارند. نیروهای نظامی دولت آل خلیفه در ۱۸ فوریه عقب نشینی کردند و برای چند روز آینده هزاران نفر از معترضان در میدان لؤلؤ حضور یافتند. جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه به اوج خود رسید و بیش از یکصد هزار معترض در میدان جمع شده بودند. تظاهرات عظیم طرفداران دموکراسی به مدت سه هفته ادامه داشت، اما طولی نکشید که شادی و سرور معترضان به پایان رسید. در ۱۴ مارس، به درخواست بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی دوهزار سرباز برای کمک به شکستن اعتراضات راهی بحرین کردند. حضور نیروهای سنی همسایه در یک کشور با اکثریت شیعه، نزاع‌های فرقه‌ای را ملتهب‌تر کرد. دولت حاکم بحرین اعلام حکومت نظامی و اجرای تاکتیک‌های سرکوبگرانه علیه اپوزیسیون، از جمله استفاده از زور برای بیرون کردن معترضین از میدان مروارید، حکم جستجو، بازداشت‌های دسته جمعی و شکنجه در دستورکار خود قرار داد. اعلام حالت فوق‌العاده، شکاف فزاینده‌ی دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف، ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی-امنیتی داخلی و خارجی بر آن تأثیر می‌گذارند (22/1/2012: www.infoplease.com).

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بروز بیداری اسلامی در بحرین عبارتند از:

(۱) وجود حکومت استبدادی و غیر دموکراتیک: بر اساس قانون اساسی که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، پادشاه قادر است که نخست‌وزیر را خود انتخاب کند و بر فعالیت او نظارت داشته باشد و نخست‌وزیر نیز متقابلاً به او پاسخگو است و هیچ مسئولیتی در قبال نهاد دیگری ندارد. این مسأله، قدرت فراوانی به پادشاه تفویض می‌کند که می‌تواند منویات و سیاست‌های مورد نظر خود را به راحتی به مرحله‌ی اجرا بگذارد. از سوی دیگر،

در قانون اساسی بحرین، حکومت موروثی است و مردم هیچ نقشی در انتخاب پادشاه ندارند.

۲) وابستگی دولت بحرین به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های همسو با آنان و بی‌توجهی به افکار عمومی در ایجاد و اجرای سیاست خارجی: با نگاهی به سیاست‌های بحرین در قبال تحولات منطقه، به خوبی مشخص می‌شود که بحرین به جای اتخاذ تصمیمات مستقل و پذیرش یک نقش فعال در تحولات منطقه، همواره از سیاست‌های ایالات متحده و سایر نیروهای فرامنطقه‌ای تبعیت و پشتیبانی کرده است (www.bahrainembassy.org 2008/1/20).

۳) وجود تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی: در بحرین قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار اقلیت است و در زمینه توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی اجحاف زیادی بر شیعیان بحرین روا داشته شده است و این گروه که دارای اکثریت در کشور خود می‌باشند، همواره در معرض تبعیض‌های گوناگون و به‌ویژه تبعیض مذهبی بوده‌اند (Choi, 2003: 41).

۴) انتخابات مجلس (پیش‌زمینه‌ی شکل‌گیری اعتراضات بحرین): یکی از دلایلی که نقش مهمی در ظهور و بروز خیزش مردم بحرین در مقابل دولت این کشور داشت، به زمان پیش و پس از انتخابات مجلس در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰ بر می‌گردد؛ نتایج این انتخابات نشان داد که مردم عمدتاً به کاندیداهای عملگرا و مستقل از دولت رأی داده‌اند که وعده‌ی پیگیری مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به مردم داده بودند. بنابراین مجلس این دوره شاهد حضور نمایندگانی بود که عمدتاً منعکس‌کننده‌ی خواست‌ها و علایق مردم بودند تا دولت بحرین و طبیعی است که این امر برای دولت بحرین بسیار نگران‌کننده باشد (بهرامی و خدادادی، ۱۳۸۹).

تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی

بحرین در اوایل قرن دهم هجری با توجه به موقعیت ممتازی که در تجارت داشت مورد توجه حکام هرمز قرار گرفت. طی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم نیروی قبیله‌ای نو ظهور بنو جبور، که از قبایل مهاجر نجد به شمار می‌رفتند، با استفاده از کشمکش قدرت در هرمز توانستند در بحرین قدرت را به دست گیرند و همین امر موجب واکنش شیعیان این منطقه که اکثریت جمعیت آن را تشکیل می‌دادند، گردید که رقابتی پنهان بین رؤسای فال با تمایلات شیعی و رؤسای بنو جبور در گرفت. بحرین تا نیمه‌ی دوم قرن دهم هجری، تحت رهبری رؤسای فال و به عنوان یکی از مراکز وابسته به ملوک هرمز به ایفای نقش می‌پرداخت (وثوقی و کالیراد، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۴).

شیعیان ۶۱ درصد جمعیت این کشور را به خود اختصاص می‌دهند. تعداد قابل توجهی از شیعیان بحرین که طی صدها سال در بحرین ساکن‌اند، در اصل از مناطق جنوبی ایران هستند که همچنان ارتباط خود را با ایران حفظ کرده‌اند. این وضعیتی است که حتی پیش از اسلام وجود داشته است. جمعیت اهل سنت ۲۰ درصد جمعیت کشور بحرین را شامل می‌شوند. شیعیان با وجود اینکه اکثریت را در بحرین در اختیار دارند، در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشارکت داده نمی‌شوند و این یکی از چالش‌های مهم آنها با دولت حاکم بر بحرین می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۵۹).

امروزه اکثریت شیعیان بحرین وضعیت اجتماعی و مذهبی بسیار آشفته‌ای دارند. برای مهار این آشفتگی دولت بحرین بر همسایه‌ی سعودی خود تکیه می‌کند (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۶۵). سعودی‌های در تنش‌های مذهبی بحرین بیم از خیزش شیعیان در منطقه خلیج فارس را دارند. به عقیده‌ی برژینسکی تقریباً همه‌ی کشورهای با جمعیت غالب مسلمان به نوعی با مشکلات مذهبی مواجه می‌باشند (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۷۶).

تعارض مذهبی بین شیعه و سنی در بحرین یکی از دلایل بروز اعتراضات اخیر است که مردم شیعه مذهب علیه دولت آل خلیفه‌ی سنی مذهب با اجتماع و اعتراض به نظام حاکم در پی دست‌یابی به حقوق‌شان می‌باشند (Teitelbaum, 2011: 12).

• روابط ایران و عربستان قبل از انقلاب و ادعای ارضی ایران نسبت به بحرین

نقش دو کشور ایران و عربستان سعودی در سال‌های پایانی دهه‌ی شصت و کل دهه‌ی هفتاد قرن بیستم، به عنوان دو سرپل نفوذ غرب در منطقه برای حفظ امنیت آبراه نفتی خلیج فارس، حفظ ثبات سیاسی منطقه و کشورهای طرفدار غرب، ممانعت از نفوذ کمونیسم، و پاک کردن منطقه از جنبش‌های چپ‌گرایانه، ایجاب می‌کرد که در روابط خارجی خود نسبت به یکدیگر همواره جانب احتیاط را رعایت کنند (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۷۶). هنگامی که نیروهای انگلیسی در ۱۹۷۱ از منطقه‌ی خلیج فارس خارج شدند، آمریکا به‌شدت دست به کار شد تا ایران و عربستان سعودی را به عنوان متحدان محلی خود درآورد و با سقوط شاه، سیاست دوستونه‌ی آمریکا به هم ریخت (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۴۸).

بحرین بیش از هر مکان دیگری در خلیج فارس، معضل درگیری ایران در منطقه را نشان می‌دهد، ادعای ارضی ایران بر بحرین به قرن هفتم میلادی می‌رسد. هنگامی که یکی از پادشاهان ساسانی سپاهیان ایرانی را به این جزیره گسیل کرد و تا سقوط حکومت ایران به دست سپاهیان مسلمان عرب در همان قرن، کنترل این جزیره را در دست داشت. پس از جنگ جهانی دوم، ایران بارها ادعای خود را بر این جزیره پیش کشید و آن را استان چهاردهم کشور اعلام کرد، و به دوره‌های متعدد تاریخی استناد کرد که بحرین تحت کنترل ایران بوده است. توجه ایران به این جزیره، از یک ادعای اساساً ارضی و ملی‌گرایانه، به مسأله‌ای ژئوپلیتیک و استراتژیک و امنیتی تبدیل شد. تا سرانجام در اواخر دهه شصت، ایران در قبال کسب امتیازاتی در مورد جزایر تنب و ابوموسی حاضر شد بر سر بحرین مصالحه کند؛ با توافق ایران و بریتانیا مقرر شد، سازمان ملل برای تعیین سرنوشت سیاسی بحرین،

رفراندومی در میان مردم بحرین برگزار کند. که پس از انجام همه پرس‌ی استقلال سیاسی بحرین در سال ۱۹۷۱ به رسمیت شناخته شد (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ۳۴۵).

نمایندگان مجلس ایران نیز رأی گروه تحقیق سازمان ملل را پذیرفتند و بحرین به طور رسمی از ایران جدا شد (بهرامی و خدادادی، ۱۳۸۹: ۳۱).
از آن پس بحرین به حوزه‌ی نفوذ عربستان سعودی با حمایت از اقلیت سنی مذهب حاکم درآمد.

• انقلاب اسلامی در ایران و بروز تعارضات مذهبی

انقلاب ۱۹۷۹ در ایران یک عنصر ایدئولوژیک قوی را به رقابت این کشور با عربستان اضافه کرد و هر دو کشور برای رهبری جهان اسلام رقابت کردند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۵).
دولت اسلامی ایران، از بدو روی کار آمدن به مقابله‌ی جدی با آمریکا پرداخت و همواره آمریکا را بزرگترین دشمن ایران خوانده است (یانگ، ۱۳۸۴: ۴۰۱).

این انقلاب شدیدترین ضربه به منافع ایالات متحده در خاورمیانه محسوب می‌شود (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۶۶).
انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای کوچک حوزه‌ی خلیج فارس نیز تأثیرگذار بود. این انقلاب در درجه‌ی اول باعث بالفعل شدن بسیاری از اعتراضات اجتماعی در منطقه شد. در سال ۱۳۶۰ شیعیان بحرین دست به یک کودتای ناموفق برای سرنگونی نظام حاکم بر این کشور زدند (ولی پور زرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

• تعارضات بر پایه نفوذ شیعه در منطقه

از دید دول عرب کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و از منظر آنها یک هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده که می‌تواند تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۸).

از نگاه آنان ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به کار گیرد (احمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۷).

اکثر شیعیان اقلیت عربستان سعودی در مناطق شرقی این کشور زندگی می‌کنند (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۱۰/۲۹).

عربستان می‌کوشد عامل مهم تهدید داخلی خود را شیعیان آن کشور معرفی نماید (عزتی، ۱۳۹۰: ۲۳).

انشقاق ژئوپلیتیکی در عربستان می‌تواند اساسی برای دودستگی سیاسی در زمان‌های فشار داخلی باشد. تاکنون عربستان سعودی قدرت نظامی و سیاسی مورد نیاز جهت تقویت اتحاد در این پادشاهی را از طریق ثروت نفتی، سرکوب، حمایت نظامی ایالات متحده و اتحاد با رهبری بنیاد گرای مذهبی در این کشور حفظ کرده است (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۸۲).

در رابطه با تحولات بحرین، عربستان ادعا می‌کند که ایران از شیعیان بحرین برای براندازی حکومت حمایت می‌کند (Chulov, 2011).

• تعارضات بر پایه حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه

ایران تنها قدرت نظامی متکی به خود در خلیج فارس است (عزتی، ۱۳۸۴: ۱۳۳) و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس جدی‌ترین تغییر در محیط راهبردی منطقه است، به طوری که توازن را به ضرر ایران دگرگون ساخته است (خادمی، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

در شرایط کنونی نقش ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس حضور جدی و ایفای نقش انحصاری است. آمریکا در پی ممانعت از نقش محوری ایران برای همگرایی منطقه‌ای در حوزه‌ی خلیج فارس و تسلط بر اراده‌ی سیاسی کشورهای منطقه است. استراتژیست‌های ایالات متحده معتقدند که آمریکا منافع وسیعی در جلوگیری از ظهور هر قدرت منطقه‌ای دارد. آمریکا در حکم یک عامل فرا منطقه‌ای همواره در صدد القای تفکر

ایران خطرناک و هسته‌ای در جهت به خطر انداختن منافع کشورهای منطقه و جهان است. مخالفت‌های شدید در مورد پرونده‌ی هسته‌ای ایران و تهدیدات و همسو کردن افکار عمومی با سیاست‌های توسعه‌طلبانه و یک جانبه‌گرایانه از مشکلات فرا روی همگرایی، و ایجاد بروز تعارضات در منطقه می‌باشد (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵).

در تنگنا قرار دادن ایران از طریق محدود کردن حوزه‌ی اعمال نفوذ ایران در منطقه و ایفای نقش ایران به عنوان قدرت متفرد منطقه‌ای از اهداف مهم حضور نظامی آمریکا می‌باشد، چنان که بارها پس از جنگ سرد، آمریکا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از تهدیدهای عمده نسبت به منافع ملی خویش اعلام کرده است (chubin, 1995: 109). همچنین عربستان به دنبال تحقق نظم هژمونیک برون‌زا از طریق ائتلاف و اتحاد با ایالات متحده بوده که همین مسأله موجب واگرایی و تعارضات ایران و عربستان شده است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

• تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و بروز تعارضات

شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ با توافق کشورهای عربستان، بحرین، کویت، امارات متحده عربی، عمان و قطر و با حمایت ایالات متحده آمریکا به وجود آمد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۳۳).

بیشترین راهبردهای منطقه‌ای این شورا در قالب تضادهای موجود با ایران معنا می‌یابد (مجیدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹).

همچنین در عمل تشکیلاتی است که تنها در خدمت هدفهای عربستان سعودی در خلیج فارس و شبه جزیره می‌باشد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۴۹۳).

از طرفی حضور بحرین در این شورا، با جمعیت اکثریتی شیعی برای ایران نمی‌تواند قابل قبول باشد به طوری که هدف شورا محدود کردن نفوذ ایران باشد. از سوی دیگر

شیعیان بحرینی که تمایلات سیاسی - مذهبی به ایران دارند؛ مخالف حضور در پیمانی هستند با رهبری عربستان سعودی که حامی اقلیت سنی مذهب حاکم می‌باشد.

• تعارض بر پایه دخالت نظامی عربستان سعودی در بحرین

عربستان سعودی با احداث جاده‌ای از سرزمین سعودی به بحرین که در مواقع آشفتگی، ورود نیروهای نظامی به بحرین را بسیار آسان می‌کند، بحرین را در مسیر وابسته شدن به عربستان سعودی قرار داده است. عربستان سعودی علاقه ندارد از بی‌نظمی‌هایی که اکثریت شیعه در این کشور ایجاد می‌کنند، حمایت کنند، به‌خصوص به این دلیل که امکان گسترش و تسری آن به مناطق شیعه نشین خود در عربستان سعودی در استان شرقی این کشور نیز وجود دارد. به طوری که در پی بروز اعتراضات مردمی در بحرین عربستان سعودی با همکاری نیروهای امارات متحده عربی، نیروی نظامی خود را برای سرکوب معترضان راهی این کشور کردند.

• رقابت تسلیحاتی ایران و عربستان

راهبرد اساسی عربستان در زمینه‌ی افزایش قدرت نظامی، خرید تسلیحاتی جدید و تأمین مدرن‌ترین تسلیحات از منابع متعدد است. و همواره این کشور جزء رتبه‌های نخست در بین کشورهای وارد کننده‌ی تسلیحات می‌باشد (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۵۲). ایران نیز با انجام مانورهای نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز خصوصاً بعد از زمزمه‌های تحریم نفتی ایران از سوی کشورهای غربی و حمایت عربستان از این طرح، بر نقش آفرینی و حضور نظامی خود در منطقه تأکید دارد و این رقابت‌های تسلیحاتی بر بروز تنش و تعارضات این دو کشور در منطقه می‌افزاید.

• پی‌ریزی سناریوهای متعدد برای انزوای ایران

خبرگزاری رویترز در خبری اعلام کرد که پلیس فدرال آمریکا و نیروی مبارزه با مواد مخدر (دی ای ای) طرح ترور و انفجار در سفارت عربستان در آمریکا را متوقف «ائتلاف

سرخ» توانسته است در یک عملیاتی به نام کنند. بر اساس دادخواست دادستانی فدرال، منصور ارباب سیار در معامله‌ای با یک مأمور مخفی نیروی مبارزه با مواد مخدر آمریکا حاضر شده بود که مبلغ یک و نیم میلیون دلار برای ترور سفیر عربستان بپردازد (خبرگزاری فارس: ۱۳۹۰/۷/۲۰).

اریک هولدر وزیر دادگستری آمریکا مدعی شد واشنگتن تدابیری را برای بازخواست ایران به سبب برنامه‌ریزی برای ترور سفیر عربستان اتخاذ خواهد کرد. همچنین وی مدعی شد ما دولت ایران را مسئول برنامه‌ریزی برای ترور سفیر عربستان در آمریکا می‌دانیم (www.tabnak.ir: 1390/7/19).

تنها ذینفع در این مسأله اسرائیل و آمریکا هستند که درصددند تا تنش‌ها علیه ایران را افزایش دهند.

روزنامه انگلیسی گاردین می‌نویسد: داستان تلاش ایران برای ترور سفیر عربستان در آمریکا چهار بازیگر دارد، عربستان سعودی، آمریکا، اسرائیل و ایران و در این داستان شاهد نبرد پنهان این چهار بازیگر برای حفظ منافعشان در منطقه‌ی خاورمیانه هستیم. هدف آمریکا و متحدانش از سناریوی ساختگی علیه ایران را می‌توان، از بین رفتن موج ایجاد شده در کشورهای عربی و شمال آفریقا دانست. آمریکا به عنوان مهم‌ترین متحد عربستان نیازمند یافتن راهی برای بازسازی موقعیت خود در خاورمیانه است که نقش مرکزی در منافع این کشور دارد؛ زیرا با توجه به تغییرات ایجاد شده در خاورمیانه آمریکا نیازمند این بازسازی است (خبرگزاری مهر 1390/7/24).

ایران اتهام‌زنی‌های آمریکا درباره‌ی تلاش برای ترور سفیر عربستان در آمریکا را رد کرده و این گونه اتهام‌ها را در راستای ایجاد تنش و فشار سیاسی و دیپلماتیک علیه خود و ایجاد فضای جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی برای گرفتن امتیاز و باج خواهی از خود می‌داند (www.entekhab.ir 1390/7/30).

سناریوی بعدی از این قرار می‌باشد که دولت بحرین مدعی است پنج نفر قصد داشتند به سفارت عربستان در منامه، وزارت کشور بحرین و نیز بزرگراه وصل‌کننده بحرین به عربستان حمله کنند. یک مقام قضایی بحرین نیز مدعی شد این افراد از ایران پول دریافت کرده و آموزش دیده بودند. همچنین این پنج تروریست قصد داشتند تا نیروهای خود را از طریق سوریه و قطر به ایران اعزام کنند تا برای انجام حملات تروریستی مورد نظر آموزش نظامی ببینند (www.entekhab.ir: 1390/7/30).

عربستان سعودی با حمایت از سناریوهایی که بتوانند چهره‌ای خطرناک از ایران در صحنه‌ی بین‌الملل نشان دهند در پی کاهش نقش‌آفرینی و نفوذ ایران در منطقه بحران زده‌ی خاورمیانه و خصوصاً در رابطه با مسأله‌ی بحرین می‌باشد.

ارایه‌ی راهبرد برای سیاست خارجی ایران در قبال عربستان

با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت ایران، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره متأثر از دو مؤلفه‌ی مهم واقعیات ژئوپولیتیک و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک بوده است (Menashri, 2007).

براساس رویکرد سازه‌انگاری، در جهت افزایش منافع ملی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بیداری اسلامی ابزاری مفید، مؤثر و نافذ می‌باشد. این رویه بایستی با درک مقتضیات زمان و مکان خاورمیانه، استراتژی‌های بلند دامنه‌ی راهبردی در عرصه‌ی سیاست خارجی را مدنظر داشته و فارغ از احساسات زودگذر سعی در افزایش نفوذ، تقویت دوستان و گروه‌های همسو گام برداشته و با عدم اتخاذ شیوه‌ی تهاجمی تعصبات مخالفین منطقه‌ای را شعله‌ور نسازد.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی براساس آموزه‌های اسلامی و دینی شکل گرفته و قدرت یافتن مسلمانان در کشورهای منطقه، در بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی خواهد داشت (قربانی و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۳-۸۱).

در واقع سیاست ایران در بحرین متفاوت از سایر نقاط جهان عرب است که مبتنی بر ترکیبی از مسایل مربوط به منافع و ارزش‌ها است: از لحاظ منافع، بحرین در حوزه‌ی سیاسی - امنیتی ایران در منطقه‌ی حساس خلیج فارس قرار دارد. حضور نیروهای سعودی در بحرین و حمایت آمریکا از این سیاست، با هدف تسلط و کنترل جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین و کل منطقه‌ی خلیج فارس، صورت گرفته است.

از لحاظ ارزش از آنجایی که بحرین یک کشور شیعی است، ایران هم به طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هم نوعان و هم مذہبان خود در منطقه حساس است. از آغاز بحران، گروه‌های مختلف داخلی و به طور کلی مردم عادی نیز نوعی حس همبستگی و حمایت از هم‌نوعان نسبت به سرکوب مردم در بحرین داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسأله‌ی بحرین، در سطح افکار عمومی ایران بسیار با اهمیت است (دهشیری و نجاتی آرانی، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۱).

همچنین با توجه به اینکه عربستان سعودی با ارسال نیروهای نظامی خود به بحرین و سرکوب مخالفین شیعی، این موضوع را به یک موضوع فرقه‌ای مربوط به رقابت «شیعه و سنی» تبدیل کرده است، نه تنها واکنش ملت ایران، بلکه ملت‌های شیعی دیگر در عراق، لبنان و غیره را در پی داشته و به مسایل فرقه‌ای که یکی از خطرناک‌ترین شکل‌های منازعه در خاورمیانه و منبع اصلی بی‌ثباتی برای امنیت منطقه و امنیت جهانی است، دامن زده است.

نگاه ایران به شیعیان مناطق شرقی عربستان، نیز نگاهی مبتنی بر حمایت و هم‌زمان حفظ تعادل در روابط با دولت این کشور، بوده است. دلیل اصلی این امر در درجه‌ی اول پرهیز ایران از وقوع جنگ فرقه‌ای بین شیعه و سنی است. ایران بسیار محتاط است که

حضور ارزشی در تحولات منطقه بهانه‌ی لازم را به دست رژیم‌های منطقه ندهد که جنبش‌های مردمی را به تلاش برای براندازی حکومت با حمایت ایران نسبت دهند. ایران به دنبال ایجاد یک حکومت شیعی در بحرین نیست و تقاضاهای مردم شیعی عربستان را هم در چهارچوب اصلاحات در درون حکومت فعلی در نظر می‌گیرد (برزگر، ۱۳۹۰/۲/۲۴).

• رویکرد استراتژیک و دفاع فعال

در شرایط فعلی، ایران در چارچوب دفاع فعال منطقه‌ای بایستی استراتژی خود را در مقابل بیداری اسلامی در بحرین تنظیم نماید. در این وضعیت، نه تنها ایران به دنبال یک هژمون منطقه‌ای و سیاست تهاجمی نیست، بلکه هدف از فعالیت همسو با گروه‌های انقلابی در عرصه‌ی بیداری اسلامی را جلوگیری از تهدیدات امنیتی علیه نهضت‌های اسلامگرا می‌داند. در واقع، رویکرد استراتژیک در کنار ابزارهای ایدئولوژیک در چارچوب ژئوپولیتیک منطقه‌ای به شناسایی وضعیت توان خودی، محذورات بیرونی و سرانجام اتخاذ تصمیم توجه دارد.

• حلقه‌های امنیتی ایران در برابر بیداری اسلامی

چارچوب سیاست خارجی واقع‌گرا و تدافعی ایران دارای دو حلقه‌ی امنیتی فوری و غیرفوری است. در دوران این حلقه‌های امنیتی درجه‌ی تأثیرگذاری و استفاده از عناصر ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک در جهت‌دهی سیاست خارجی ایران متفاوت است. حلقه‌ی فوری شامل محیط فوری و حیاتی ترین نقاط امنیتی ایران محسوب می‌شوند. تحولات بحرین در درون این دایره واقع شده است. در حلقه‌ی اول، خلیج فارس به عنوان منطقه‌ی حساس ترانزیت نفت، انرژی و حضور دشمن استراتژیک ایران یعنی آمریکا در آن معنای خاصی پیدا می‌کند. در این حلقه، استفاده از ابزارهای ایدئولوژیک و استراتژیک توأم در جهت افزایش امنیت ملی استفاده می‌گردد. براساس همین تحلیل

ایدئولوژیک است که حمایت از انقلاب مردم بحرین قابل اعتنا است. روند حمایت ایران از حرکت‌های اصلاح‌گرایانه مردم هم مسلک شرق عربستان نیز در همین وضعیت تحلیل می‌گردد؛ که البته منافع استراتژیک فراوانی در صورت توفیق نصیب ایران خواهند کرد (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۳۶).

• افزایش عمق راهبردی ایران

تلاش در راستای اشاعه‌ی ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه‌ی خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود. برای تبیین بهتر این امر، می‌توان از مفهوم عمق راهبردی استفاده کرد.

جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن برخورداری از مزیت‌های فراوان سرزمینی و جغرافیایی که در ترکیب با عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمق راهبردی آن را تضمین می‌کنند، اشاعه‌ی ارزش‌ها و گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان را در سیاست خارجی خود با جدیت پیگیری می‌کند.

• ایجاد دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه

ج.ا. ایران برای استفاده‌ی بهینه از فرصت‌ها و از بین بردن چالش‌ها، برنامه‌ها و دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه‌ای در راستای این امر مهم (الگوپذیری جنبش بحرین از الگوی انقلاب اسلامی ایران)، به این شرح در پیش گرفته است:

- برگزاری مداوم کنفرانس‌های تخصصی داخلی و بین‌المللی با حضور نخبگان خارجی و داخلی (در قالب برنامه‌ها).

- حمایت‌های معنوی و در صورت لزوم مادی، از جریان‌های انقلابی (در قالب

دیپلماسی راهبردی)

- مدیریت پتانسیل رسانه‌ای در راستای ارایه‌ی چهره‌ی مطلوب دینی- مردمی انقلاب ایران (در قالب برنامه‌ها و دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه).
- استفاده‌ی بهینه از گفتمان انقلاب اسلامی- مردمی انقلاب اسلامی در راستای جهت دهی به جریان‌های انقلابی (در قالب دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه).

نتیجه‌گیری

پس از تحولات جهان عرب زمینه‌ی جدیدی با توجه به تحولات ژئوپلیتیک در شکل و ساخت قدرت در حال شکل‌گیری می‌باشد. در یک سو عربستان، اسرائیل و آمریکا هستند که به نوعی خواهان حفظ توازن سنتی با تسلط کامل بر جریان‌های سیاسی-امنیتی در منطقه هستند و در سوی دیگر ایران قرار دارد که الزاماً خواهان به هم زدن وضع موجود نیست؛ اما با افزایش پایه‌های قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه‌ای خواهان ایفای نقش بیشتری با رویکرد منطقه‌ای و از زاویه‌ی حفظ منافع ملی خود می‌باشد. اعتراضات مردمی بحرین نگاه دو کشور رقیب شیعه و سنی مذهب، یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در منطقه را به خود جلب کرده است. عربستان سعودی کشور بحرین را مکمل استراتژیک خود می‌داند و برای سرکوب اعتراضات به مداخله‌ی نظامی پرداخته است. از سوی دیگر ایران که در طول تاریخ بر این کشور جزیره‌ای حکمرانی کرده است و تشابهات مذهبی با اکثریت مردم بحرین را دارد و نمی‌تواند فقط نظاره‌گر این تحولات باشد و به ایفای نقش خود در منطقه نپردازد. ایران با تقویت حس انقلابی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، بر ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان بحرین به وضعیت مطلوب‌تر و شرکت دادن شیعیان در اداره امور کشور بحرین تأکید دارد. از طرف دیگر عربستان سعودی با حمایت اقلیت حاکم سنی مذهب بحرین، ایجاد اتحاد و ائتلاف با ایالات متحده آمریکا برای حضور در منطقه و بحرین، جناح بندی و مقابله با نفوذ انقلابی ایران با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، خریداری

تسلیمات پیشرفته‌ی نظامی برای رقابت تسلیحاتی با ایران، دخالت نظامی برای برخورد با اعتراضات شیعیان بحرین و حتی شیعیان عربستان و در آخر القای تفکر ایران خطرناک با پی‌ریزی سناریوهای ترور سفیر عربستان در آمریکا و حمله به سفارت عربستان در بحرین، به دنبال منزوی کردن بیشتر و خطرناک جلوه دادن ایران می‌باشد تا عربستان بتواند به حفظ قدرت سنی مذهب‌ها در بحرین برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود و متحدان غربی اش کمک نماید و بحرین را به وضعیت مطلوب و تحت نفوذ خود تبدیل نماید.

با قرار دادن تحولات بحرین در حلقه‌ی فوری امنیتی حمایت همه جانبه از مطالبات انقلابی مردم این کشورها مدنظر بوده و تلاش برای حداقل سازی نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای و جریان‌ات سلفی در این فرایند ضروری است. و حمایت ایدئولوژیک با چشم‌انداز دوربرد از مسایل استراتژیک می‌تواند راهنمای خوبی در جلوگیری از تهدیدات احتمالی امنیتی برای امنیت و منافع ملی ایران باشد.

با توجه به این مسایل پیشنهاد می‌شود:

- جمهوری اسلامی ایران باید از موج بیداری اسلامی و دموکراسی خواهی مردم بحرین حمایت کند، چرا که هرگونه حکومت مبتنی بر دموکراسی عددی می‌تواند به قدرت یابی شیعیان بحرین منجر شود.

- جمهوری اسلامی ایران باید با سیاست‌های ایران هراسی و شیعه هراسی غرب و کشورهای عربی مقابله کند؛ از این روی نباید بگذارد که منازعات و رقابت‌های منطقه‌ای رنگ و بوی قومی (ایرانی-عربی) و مذهبی (شیعه-سنی) سال‌های دهه ۱۹۸۰ تکرار شود.

- جمهوری اسلامی ایران همچنین با فعالیت‌های رسانه‌ای مناسب موضع و استانداردهای دوگانه‌ی غرب به ویژه ایالات متحده را در برخورد با تحولات منطقه‌ای برای مردم منطقه روشن و آشکار کند.

- جمهوری اسلامی ایران باید با سیاست خارجی مثبت و فعال این مسأله را به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بفهماند که، سیستم امنیتی این شورا بدون مشارکت ایران و عراق معیوب و بی محتواست.

- جمهوری اسلامی ایران همچنین با استفاده از دیپلماسی عمومی باید این نکته را برای مردم کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس مشخص کند که ماهیت ضدایرانی شورای همکاری خلیج فارس که با حمایت امریکا و رهبری عربستان سعودی تشکیل شده است، دیگر کارآمد نیست.

منابع

- اخباری، م. و نامی، م. (۱۳۸۸). *جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ارغندی، ع. (۱۳۸۶). *سازنده انگاری، چهارچوب تئوریک برای فهم سیاست خارجی ایران*. فصلنامه سیاست، سال اول، شماره اول.
- آقایی، س. د. و احمدیان، ح. (۱۳۸۹). *روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو*. فصلنامه سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
- انصاری، م. (۱۳۷۵). *امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه*. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶.
- برژینسکی، ز. (۱۳۸۶). *انتخاب: سلطه یا رهبری*. (ا. نوروزی، مترجم) تهران: نشر نی.
- بهرامی، ق. و خدادادی، م. ا. (۱۳۸۹). *جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران*. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.

- بوزان، ب. و ویور، ا. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت: ساختار امنیت بین‌الملل. (ر. قهرمانپور، مترجم) تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمدی، ح. و جمالی، ج. (۱۳۸۸). طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها. فصلنامه شیعه‌شناسی (شماره ۲۶).
- پیشگاهی فرد، ز. (۱۳۸۶). فرهنگ جغرافیای سیاسی. تهران: نشر انتخاب.
- جکسون، ر. و سورنسون، گ. (۱۳۸۵). درآمدی بر روابط بین‌الملل. (م. ذاکریان، ا. تقی زاده و ح. سعیدی کلاهی، مترجم) تهران: انتشارات میزان.
- چامسکی، ن. (بدون تاریخ). امنیت منطقه در گرو ایران هسته‌ای است. بازیابی از ۱۳۹۰: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/bodyView>
- حافظ نیا، م. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، م. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۶). قدرت و منافع ملی. تهران: نشر انتخاب.
- حافظ نیا، م. و رومینا، ا. (۱۳۸۴). تحول روابط ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (شماره ۷۷).
- حافظ نیا، م. و کاویانی راد، م. (۱۳۸۸). افقهای جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- حافظیان، م. (۱۳۹۰). تناقضات سیاست خارجی ترکیه. همشهری دیپلماتیک (شماره ۵۰، ۷۱-۱۳).
- حق پناه، ج. (۱۳۹۰). هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- خادمی، غ. (۱۳۸۴). جهان شمولی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ الگوی تعاون تهاثری، الگویی مناسب برای امنیت سازی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران.

- درایسدال، آ. و بلیک، ج. ا. (۱۳۷۴). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. (د. میرحیدر، مترجم) تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- رضایی، م. (۱۳۸۴). *ایران منطقه‌ای*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. (۱۳۸۶). *ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس - با تاکید بر شیعیان*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سلیمانی، ک. (۱۳۸۸). *بررسی چگونگی انعکاس روابط ایران - عربستان سعودی در مطبوعات از منظر اسناد سفارت ایران در جده (۱۹۶۸-۱۹۷۸)*. *فصلنامه تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی)* (شماره ۶۰/۵).
- صادقی، ح. و احمدیان، ح. (۱۳۸۹). *عربستان سعودی؛ از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه ای*. *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم*.
- طاهری موسوی، م. (۱۳۸۷). *جغرافیای و استراتژی ملی ایران (باتاکید بر استراتژی سیاسی)*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- طباطبایی، س. ع. و محمودی، ع. (۱۳۸۹). *تأثیر قرار دادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. *فصلنامه راهبرد* (شماره ۵۵).
- عبدالله خانی، ع. (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر.
- عزتی، ع. (۱۳۸۴). *ژئواستراتژی*. تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، ع. (۱۳۸۶). *ژئوپولیتیک*. تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، ع. (۱۳۸۸). *ژئوپولیتیک شیعه و امنیت مرزهای ایران (جلد اول)*. تهران: انتشارات البرز فر دانش.
- عزتی، ع. (۱۳۸۸). *ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم*. تهران: انتشارات سمت.

عزتی، ع. (۱۳۹۰). *جغرافیای استراتژیک ایران* (جلد سوم). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

فضلی، م. ص. (۱۳۹۰). آمریکا و سعودی در بن بست. *مجله همشهری دیپلماتیک* (شماره ۷، ۱۳۷-۱۲۳).

فولر، گ. (۱۳۸۹). *قبله‌ی عالم ژئوپلیتیک ایران*. (ع. مخبر، مترجم) تهران: نشر مرکز. قلوبی، ج. (۱۳۸۷). نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناسبات سیاسی ایران و مصر. *فصلنامه مطالعات آفریقا* (شماره ۱۸).

قوام، ع. (۱۳۸۴). *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سازمان سمت. کمپ، ج. و هارکاوی، ر. (۱۳۸۳). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه* (جلد دوم). (س. حسینی متین، مترجم) تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کوشکی، م. ص. و ناظم پور، م. (۱۳۸۹). بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*.

کوهن، س. ب. (۱۳۸۷). *ژئوپلیتیک نظام جهانی*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

ماندل، ر. (۱۳۸۷). *چهره متغییر امنیت ملی*. (پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، مترجم) تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

متقی، ا. و کاظمی، ح. (۱۳۸۶). *سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی*. *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره*

۴.

مجتهدزاده، پ. (۱۳۷۹). *خلیج فارس کشورها و مرزها*. تهران: نشر عطایی.

مجتهدزاده، پ. (۱۳۸۶). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت.

مجیدی، م.، عزتی، ع.، سعیدآبادی، م. و همکاران. (۱۳۸۷). غرب آسیا، نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه ای. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

نادری نسب، پ. (۱۳۸۹). چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.

وثوقی، م. ب. و کالیراد، ع. (۱۳۸۸). مسأله بحرین در منازعات قدرت‌های منطقه‌ای خلیج فارس در قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی. فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س) (شماره ۴).

ولی‌پور زرومی، س. ح. (۱۳۸۳). گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یانگ، ج. (۱۳۸۴). جنگ سرد، صلح سرد (روابط آمریکا و روسیه ۱۹۹۱-۱۹۴۱). (ع. عزتی و م. بیات، مترجم) تهران: نشر قومس.

Choi, A. (2003). The Power of Democratic Cooperation. *International security*, vol.26(No.summer).

Chubin, s. (1995). Iran's National security, in Geffery Kemp and Janice Gross stein (ed) Power Keg in the Middle East, Lanham; Rowman and Littlefield publisher Inc.

Chulov, M. (n.d.). *Bahrain Doctors Jailed for Treating Injured Protesters*. Retrieved from The Guardian: <http://www.guardian.co.uk/world/2011/sep/29/Bahrain-protester-death-sentence>

Ibish, H. (2011). The Bahrain Uprising: Towards Confrontation or Accommodation? *Hennery Jason Society*.

Ibish, H. (2011). The Bahrain Uprising: Towards Confrontation or Accommodation? *Hennery Jason Society*. Retrieved from <http://www.aftab.ir>.

Katezman, K. (2011). Bahrain: Reform, Security, and U.S. Policy. *Congressional Research Service*. Retrieved from www.Crs.gov. 95-1013-1-20

Louër, L. (2011). A Failed Uprising In Bahrain. *European Union Institute for Security Studies*. Retrieved from http://www.iss.europa.eu/uploads/media/A_failed_uprising_in_Bahrain.pdf

- Menashri, D. (2007). Iran,s Regional Policy: Between Radicalism and Pragmatism. *Journal of International Affairs*, Vol. 60 (No.2, Spring/ Summer).
- Ottaway, M. (n.d.). Bahrain: Between the United states and Saudi Arabia. *Carnegie Endowment*. Retrieved from http://carneieendowment.org/2011/04/04_bahrain-between-united-states-and-Saudi-Arabia
- Singer, M. a. (1996). *The Real World order : Zone of Peace , Zone of Turmoil*, Chatam House.
- Teitelbaum, J. (201). SaudiArabia ,Iran and America in the Wake of the Arab Spring. *Begin-Sadat Center For Strategic Studies*. Retrieved from www.Alarabiya.net